

عنوان مقاله: مهاجرت در کشورهای جهان سوم
نظریات، تحقیقات و ارائه چارچوب نظری

نویسنده: محمد تقی ایمان

منبع: نشر پژوهی ادب فارسی بهار ۱۳۶۹ - شماره ۱

صص ۱۶۴-۱۸۶

چکیده

• در این نوشتار با توسل به مشاهده، اسنادی سعی گردیده تا ضمن بیان نظر گاه تئوریهای کلان در قالب تئوری کارکرد گرایی و اقتصاد سیاسی پیرامون مهاجرت به بیان مطالعت موردی که عمدتاً در رابطه با مهاجرت روستا به شهر در کشورهای جهان سوم انجام گرفته ، پرداخته شود. این مقاله ضمن ارزیابی این تئوری ها و بیان محدودیت های موجود در آنها به دنبال اصلاحیه کلی بر این دیدگاه ها در قالب ارائه یک چهارچوب نظری می باشد.

ارزیابی این تئوری ها و بیان
محدودیت های موجود

مقدمه

- پدیده مهاجرت های داخلی (روستا به شهر) در کشورهای جهان سوم بر خلاف نظریات کارکرد گرایی به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی است، که عمدتاً به علت اشکال در الگوی توسعه این کشورها، در جریان می باشد. آثار سوء این پدیده به وضوح در مشکلاتی از قبیل: بیکاری پنهان، حاشیه نشینی، بزهکاری های اجتماعی و وابستگی این کشورها در تولیدات اساسی به کشورهای توسعه یافته مشاهده می گردد.

نظریات کارکرد گرایی

• این کشورها سعی نموده اند که به نوعی این پدیده اجتماعی را کنترل نمایند، ولی چون برخوردها عمدتاً در قالب یک استراتژی روشن جهت استقرار الگوی توسعه مناسب بر اساس ویژگی های اجتماعی-اقتصادی موجود کشور نبوده، اگر چه در کوتاه مدت در کنترل و یا کند نمودن حرکات مهاجرتی اثراتی داشته، ولی مجدداً روند سابق ادامه یافت و یا پیش بینی می رود، ادامه یابد،

استقرار الگوی توسعه مناسب

روند سابق



هند: تاج محل

- به طور مثال در **هندوستان** تصمیم گرفته شد برای کنترل و جلوگیری از هجوم مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ اقدام به احداث شهرک های اقماری نزدیک به شهر حیدرآباد نمایند. پس از مدتی این شهرک ها به سمت شهر های بزرگ رشد نمود و به شهرهای بزرگ متصل گردید، و مشکلات همان شهرها را بار آورد.



• در آن **دو نزی** تصمیم گرفته شد که در بین سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۴ طرح کنترل ورود و خروج افراد به شهرها پیاده گردد، تا افراد به صورت دائم در شهرها سکونت نیابند این طرح نیز عملا با شکست روبرو گردید.



- در کشورهای هندوستان، بنگلادش، پاکستان، نپال، تایلند و فیلیپین برای حمایت از روستاییان و تشویق آنها به ماندن در روستاها طرح حمایت قانونی از اجازه دادن را در پی گرفتند، که مطالعات نشان می دهند، اجرای این قانون باعث بهبودی وضع کشاورزان نگردیده، و حتی در بعضی موارد موجب ترغیب مهاجرین در انتقال از روستاها به شهرها گردیده است.

طرح حمایت قانونی از اجازه دادن

- آنچه می توان از تجربه این کشورها در برخورد با پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر نتیجه گیری نمود، این است که با اولاً با این پدیده اجتماعی نمی توان به صورت مجرد و مجزا از مدیر پدیده های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی برخورد نمود، لذا انتظار می رود که کنترل این پدیده در برخورد همه جانبه نگر امکان پذیر باشد. ثانياً باید به شکل گیری و استمرار این پدیده در کی فرایند زمانی توجه داشت، که این باعث خالت یافتن زمان در کنترل این پدیده می گردد.

- ثالثاً تا زمانی که یک الگوی توسعه مشخص و متناسب با مقتضیات این کشورها تهیه نگردد، انتظار کنترل این پدیده در نظام اجتماعی نمی رود. بر اساس این موارد در فرایند کنترل مهاجرت مسلمانان به عواملی که باعث رکود در جوامع روستایی و رونق در جوامع شهری می شود و عواملی که باعث عدم توزیع عادلانه امکانات بین شهر و روستا و یا در بین روستاییان می گردند، توجه می شود.

• هدف ما در این نوشتار ارائه دید کلی نسبت به پدیده مهاجرت در نظر گاه اندیشمندان مختلف و آشنایی با طرح های تحقیقاتی که در این راستا انجام گرفته اند می باشد. همچنین در این مقاله به دنبال ایجاد زمینه ای جهت دستیابی به یک **چهارچوب نظری پویا** برای تبیین واقع بینانه پدیده های اجتماعی از جمله مهاجرت می باشیم. بررسی پدیده مهاجرت روستا به شهر در کشورهای جهان سوم از این لحاظ حایز اهمیت است که : **اول** از یک سو مهاجرت روستاییان به شهر اقتصاد روستایی را از نیروی انسانی کارآمد برای ادامه فعالیت های کشاورزی محروم می کند.

• **ثانیا** خروج قشرهای جوان و فعال از روستاها، ساخت نظام اجتماعی روستاها را با خطر از هم گسیختگی مواجه می سازد و **ثالثا** باعث عارضه در اقتصاد شهری که آمادگی پذیرش هجوم شتابزده روستاییان را ندارد، می گردد. آثار سوء مهاجرت های روستا شهر در کشورهای جهان سوم را می توان در بیکاری های پنهان، حاشیه نشینی، فشار بر روی امکانات شهری به خصوص امکانات تولیدی و معضلات اجتماعی - روانی موجود در شهرهای این کشورها مشاهده نمود.

**امکانات تولیدی و معضلات
اجتماعی - روانی**



• بنابراین کشورهای جهان سوم در جهت کنترل این پدیده اجتماعی باید به تجدید نظری اصولی در استراتژی توسعه خویش بپردازد. تدوین استراتژی توسعه در یک نظام اجتماعی بر اساس شناخت واقع بینانه از گذشته و حال کشورمان هم در قالب یک تئوری پویا که با طبیعت انسان به عنوان عنصر اصلی مهاجرت همخوانی داشته باشد، امکان پذیر است. در این رابطه مراجعه به مطالعات و نظریات ارائه شده می تواند تا حدود زیادی راهگشا باشد، که در این مقاله دنبال خواهد شد.



مروری بر نوشتار ها و تحقیقات انجام شده

• **تعریف مهاجرت :** مهاجرت بنا به تعریف، تغییر دائم یا موقت «محل سکونت» است. حرکت مهاجرتی ساده، شامل یک فرد با یک گروه «مهاجر» است که یک مکان جغرافیایی «مبدا» را ترک گفته و به مکان دیگری «مقصد» نقل مکان می کند. این فرایند یک جریان مهاجرتی ساده را بیان می کند که **پنج مفهوم فضایی اساسی:** نقاط، مسافت، جمعیت، اتصال و زمان را در بر می گیرد یک فرد معمولا هنگامی به عنوان یک مهاجر به شمار می آید، که از یک نقطه به نقطه دیگر که مسافتی آن دو را از هم جدا ساخته است» نقل مکان می کند.

نقاط، مسافت، جمعیت، اتصال و زمان

5

- مهاجرت های داخلی یا کوچ مردم در درون یک کشور، مهم ترین عامل در تغییرات و جابه جایی جمعیت بین مناطق محسوب می گردد. از آنجا که میزان باروری و مرگ و میر به عنوان دو مقوله اصلی حرکت طبیعی جمعیت در بین مناطق یک کشور معمولا اندک است، تفاوت مشهود در رشد مناطق مختلف یک کشور دلالت بر مهاجرت های داخلی یا خارجی دارد.

میزان باروری و مرگ و میر

مهاجرت در دیدگاه کارکردگرایی



- در دیدگاه کارکرد گرایی هر گونه تغییری که در جامعه روی دهد در جهت تعادل و هماهنگی می باشد. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جوامع به شمار می آید، که بالطبع در جهت ایجاد تعادل در سیستم اجتماعی صورت می گیرد. بنابراین در این دیدگاه مهاجرت در پاسخ به یک حالت عدم تعادل در جهت رسیدن به تعادل در جامعه صورت می گیرد.

رسیدن به تعادل



- پارسونز که یکی از اندیشمندان معتقد به دیدگاه کارکردگرایی است، اظهار می دارد: در یک سیستم اجتماعی بر طبق اصل عمل و عکس العمل، هر تغییر در جامعه با تغییری دیگر که در نیروی محرکه با آن برابر ولی در جهت مخالف است، متعادل می گردد.
- البته این اصل مهم از آن جا ناشی می شود که بنا به اعتقاد این دیدگاه شرط لازم برای دوام و بقا نظام اجتماعی وجود یگانگی و تعادل در نظام می باشد.

پارسونز

• بنابراین به طور غیر مسقیم می توان بیان نمود که مهاجرت ها در این دیدگاه تغییری است که در جهت بقا و تعادل نظام اجتماعی صورت می گیرد. نظر گاه این دیدگاه بر این فرض نیز استوار است که تمامی نیازهای اجتماعی آموخته می شوند. ولی چون نظام های اجتماعی کنش گرا در طول زمان هرگز حالتی ایستا ندارند، لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگر یا هر دو اتفاق بیافتد. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت مشخص جهت کاهش ناهماهنگی ساختی می شود

**ناماهنگی بین خصایص فرد و
نظام اجتماعی**

- بنابراین در دیدگاه کارکردگرایی مهاجرت به عنوان یک مکانیزم برقرار کننده تعادل که دارای عملکرد مثبت در جهت حفظ و بقای نظام اجتماعی می باشد، صورت می گیرد.
- جامعه شناسی توسعه که بر اساس اصول موجود در رویکرد کارکردگرایی به تبیین نظریات خود می پردازد، اعتقاد دارد که بعضی از مناطق به لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته اند و فرصت های مختلفی را برای افراد آن مناطقی به وجود آورده اند..



- بر این اساس نیروی انسانی انباشت شده در یک منطقه به مناطقی که فرصت هایی بیش از ظرفیت افرادش دارد، کشیده می شود. بنابراین مهاجرت از یک طرف مکانیزم تطابق شخص با تغییرات انجام شده، بدل می گردد، و از طرف دیگر تعادل از دست رفته را به جامعه باز می گرداند

نیروی انسانی انباشت شده

مکانیزم تطابق
شخص با
تغییرات انجام
شده

● نظریه پردازان نوسازی که در قالب جامعه شناسی توسعه اظهار نظر می نمایند، معتقدند که نفوذ ارزش های کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه باعث آرزوهای جدید در بین مردم این کشورها می گردد. در جهت نیل به این صورت آرزوها است که جا به جایی های جمعیتی به شهرهای بزرگ یا کشورهای دیگر صورت می گیرد. این اندیشمندان معتقدند که تحرکات جغرافیایی جمعیت در قالب مهاجرت دارای کارکرد مثبت و در جهت توسعه اقتصادی کشورها می باشد. چون تحول اجتماعی ، تحرک مکانی به وجود می آورد، که این امر به نوبه خود رشد اقتصادی را باعث می گردد.

**تحرکات
جغرافیایی**



نیل اسملسر

• اسملسر که جنبه هایی از بحث نظری نوسازی را مطرح می کند، بر این اعتقاد است که، حل مشکلات درونی کشورهای جهان سوم فقط از طریق صنعتی شدن امکان پذیر است. در پروسه صنعتی شدن انتقال نیروی انسانی و جوانی به نیروی ماشین شروع می شود و سپس شهری شدن و تغییرات اکولوژیکی از مراکز کشاورزی و روستایی به مراکز بزرگ شهری نیز صورت می گیرد، از نظر او افزایش شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به شهرها باعث **شکستن الگوی زندگی سنتی شده و توسعه صنعتی** را سرعت می بخشد.

- بر اساس بحث های نظری فوق به صورت خلاصه می توان بیان کرد که مهاجرت تغییری است که به علت عدم تعادلات اجتماعی- اقتصادی موجود در مناطق مختلف صورت می گیرد. البته این تغییر در جهت ایجاد تعادلی جدید و آن هم در سطحی بالاتر که کارکرد مثبت دارد، حادث می شود.

- اکنون که با بحث نظری دیدگاه کارکردگرایی پیرامون مهاجرت آشنا شدیم، لازم است که چگونگی مکانیزم این حرکت جمعیتی که بین دو نقطه «مبدا» و «مقصد» صورت می گیرد، مطرح نماییم.



ارنست راونشتاین

• اولین کسی که سعی نمود امکانیزم مهاجرت را بر اساس اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی بیان نماید، راونشتاین می باشد. او در طی بررسی های مختلف پیرامون جریانات مهاجرتی انگلستان که بر اساس سرشماری های ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱ انجام داد، قوانین «جذب» و «دفع» را مطرح نمود. منظور او از بیان این قوانین این است که عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی مردم را از محل اقامت خویش «می راند» در حالی که شرایط مساعد آن را به نقطه جغرافیایی دیگری می کشاند. راونشتاین مهاجرت را یک رفتار عقلانی می داند که بین مبدا و مقصد صورت می گیرد.

- ردفرود چهل سال بعد یافته های راونشتاین را بار دیگر از طریق بررسی مهاجرت های نیروی کار در انگلستان در خلال سال های ۱۸۵۰-۱۸۰۰ با دلایل منطقی اثبات نمود.

- .



جرج کینگزلی زیپف

- لی بر اساس فرضیه «جذب» و «دفع» و با تاکید بر «موانع دخالت کننده» به تحلیل پدیده مهاجرت می پردازد.
- زیپف که پدیده مهاجرت را مورد مطالعه قرار داده است، با قبول نظریه «جذب» و «دفع» به عامل فاصله (مسافت) بین مبدا و مقصد اهمیت زیادی داده و سعی نموده است که در همین رابطه **فرمولی را برای جذب** بیان نماید

$$\text{جذب} = \frac{P \cdot Pd}{D}$$

- جذب در این فرمول، جمعیت p = جمعیت مبدا و pd = جمعیت مقصد و D = فاصله بین مبدا و مقصد می باشد. (
- جمعی نظریاتی که در رابطه با مکانیزم مهاجرت در دیدگاه کارکردگرایی مطرح گردیده را در **سه** دسته بندی ذیل قابل تقسیم بندی می داند.

- ۱- نظریه جذب و دفع که توسط راونشتاین آغاز و یا نظریه **ردفیلد** کاملتر گردید.
- ۲- نظریه ای که به سرمایه گذاری مهاجر توجه دارد، توسط شولتز بیان گردیده است. از نظر شولتز تغییر مکان مستلزم هزینه های پولی (مالی) و روانی (عاطفی) است. مهاجر زمانی که آهنگ کوچیدن دارد، بر این باور است که این هزینه ها با منافع اضافی که در محل اقامت جدید به دست می آورد، جبران می گردد. اگر منابع مورد انتظار در مقصد کمتر و یا حتی برابر با این هزینه ها باشد، موجبی برای مهاجرت باعث نخواهد شد.
- ۳- نظریه ای که به اختلافات مهاجرتی و مدل های احتمالاتی مهاجرت توجه نموده، توسط بشرز مطرح گردیده است، او معتقد است که مهاجرت های داخلی بر گزینش گروه های معین (سنی، جنسی، شغل و غیره) که بیش از دیگران آمادگی یا خصلت مهاجرت دارند، متمایل است.

مهاجرت در دیدگاه اقتصاد سیاسی

- بر اساس محدودیت های موجود در دیدگاه کارکرد گرایی رویکرد مهم دیگری در جامعه شناسی تحت عنوان دیدگاه اقتصاد سیاسی مطرح گردیده است.
- نظریه پردازان معتقد به رویکرد اقتصاد سیاسی بیان می دارد که علت های مهاجرت را نمی توان از اثرات آن جا نمود، چون از یک طرف مهاجرت معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر خود عامل گسترش توسعه نابرابر است . لذا در تبیین فرایند مهاجرت لازم است ابتدا به مساله عدم توسعه توجه نمود، چون در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش های مختلف جامعه مد نظر قرار می گیرد».

روابط نابرابر ساختی و مکانی

- دیدگاه اقتصاد سیاسی درباره شکل گیری مهاجرت اعتقاد دارد که، ترک آب و خاک و یا به عبارتی مهاجرت مردم تحت **دو دسته** عوامل ذیل صورت می گیرد:
 - ۱- عوامل تغییر دهنده
 - ۲- عوامل رکودی

• **عوامل اول** با نفوذ روش های تولید سرمایه داری در مناطق سنتی همچون تغییر روش تولید، اخراج غیر مالکین با استفاده از روش هایی که هدفش بازده کاری بالا بوده، که طبیعتاً سطح اشتغال را پایین می آورد، ارتباط دارد به طور کلی این عوامل با تغییر در تکنیک های تولیدی ارتباط دارد. یعنی تکنیک های جدید کارگر اضافی ایجاد کرده و آنها را مجبور به مهاجرت می نماید.

• **عوامل دوم** زمانی عمل می کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی سبقت گرفته و نیروی کار اضافی مجبور به مهاجرت می شود. یا به عبارتی این عوامل به صورت افزایش جمعیت روستا در مقابل محدود ماندن کشت یا حجم تولید یا وجود مالکین فئودال و انحصار طلب و دیگر عوامل نظیر آنها می باشد.



- جامعه‌شناسی توسعه نیافتگی که متأثر از همین دیدگاه می‌باشد، اعتقاد دارد که با ورود سرمایه‌داری وابسته در کشورهای جهان سوم و تثبیت آن در این کشورها، مهاجرت شکل خاصی به خود می‌گیرد تا آن‌جا که، اولاً مهاجرت همه افراد را در بر نمی‌گیرد،



**تصمیم به مهاجرت داوطلبانه
نیست**

• بلکه بخشی از افراد به حرکت از مکان خود می نمایند. ثانيا تصمیم به مهاجرت داوطلبانه نیست، بلکه برای آنان که مهاجرت می نمایند، شق دیگری برای زندگی کردن وجود ندارد و ثالثا مهاجرت به مناطق نامشخص و نامعین صورت نمی گیرد. بلکه از روی الگوی خاصی به مکان ها و بخش هایی خاص از جامعه صورت می گیرد. رابعا نیروی اجبار و تحریک کننده ، مهاجر صرفا عامل اقتصادی می باشد. و بالاخره مهاجرت در این کشورها، مهاجرت نیروی کار و کارگر می باشد

- دیدگاه اقتصاد سیاسی در تبیین ورود سرمایه داری وابسته و شکل گیری مهاجرت در داخل و یا بین کشورهای جهان سوم چنین بیان می دارد که: صنعتی نمودن کشورهای جهان سوم و مسلح نمودن آنها به سلاح مکانیزاسیون و انباشت سرمایه در شهرهای این کشورها توسط کشورهای سرمایه داری باعث شده است که: **اولا** شهرهای این کشورها از جذابیت، امکانات و به طور کلی توسعه زیادتری نسبت به روستاها برخوردار گردید و **ثانیا** در روستاها نیز به علت ورود ابزار مکانیزه نیروی کار اضافی ایجاد گردد.



• بنابراین انباشت سرمایه، امکانات و نهایتاً جذابیت شهرها از یک طرف و نیروی کار آزاد شده در روستاها از طرف دیگر نتیجه‌ای جز مهاجرت نیروی کار روستاییان به شهرها در پی نخواهد داشت. در سطح بین‌المللی نیز اعمال همین سیاست باعث شده که نیروی کار از کشوری به کشوری به کشور دیگر مهاجرت نماید.

**انباشت سرمایه، امکانات و نهایتاً
جذابیت شهرها**

- پس تبیین مهاجرت در این دیدگاه در ارتباط با گسترش سرمایه داری وابسته در کشورهای جهان سوم تحلیل گردیده، و علت مهاجرت نیز در همین راستا در توسعه نابرابر شهر و روستا یا بین کشورهای مختلف مد نظر قرار می گیرد. چنانچه پرتس معتقد است که مهاجرت های داخلی و بین المللی محصول توسعه ناموزون در داخل و بین کشورهای مختلف می باشد.

توسعه ناموزون در داخل

- امین معتقد است که، مهاجرت از یک طرف باعث تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست و از طرف دیگر عامل ایجاد تشدید نارسایی هایی در منطقه مهاجر پذیر می گردد، چون از یک طرف مهاجرت باعث تخلیه نیروی انسانی فعال از مبدا گردیده و توسعه نیافتگی آن را شدت می بخشد، و از طرف دیگر مهاجر به علت نداشتن مهارت های لازم و مورد نیاز مقصد در کارهای دون پایه جذب گردیده، و وارد فقری جدید می شود، که این باعث انحرافات برای او و مشکلاتی برای مقصد می گردد.

کارهای دون پایه

• اکنون که با تئوری های کلی پیرامون پدیده مهاجرت آشنا شدیم، لازم است به مطالعات و تحقیقات موردی که در کشورهای جهان سوم در این رابطه صورت گرفته نیز بپردازیم. این تحقیقات می توانند، اولاً در آزمون روائی و اعتبار این تئوری ها ما را یاری نمایند، ثانياً در شناخت عوامل تعیین کننده مهاجرت های نیروی انسانی و بالطبع در تدوین استراتژی توسعه و یا ارائه چارچوب نظری موثر واقع گردد.

آزمون روائی و اعتبار

- جمعی پس از بحث پیرامون مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، عوامل ذیل به عنوان علل مهاجرت روستا به شهر بیان می دارد:
- ۱- میزان موالید بالا و مرگ و میر پایین سبب افزایش جمعیت در روستاها می شود. اگر مقدار زمین قابل کشت و با سطح بهره وری ثابت بماند، فشار جمعیت منجر به برون کوچی می گردد.



برون کوچی

- ۲- دگرگونی های تکنولوژیک و مکانیزاسیون کشاورزی ممکن است، سبب بیکاری و یا کم کاری در میان کشاورزی گردد.
- ۳- کاهش حاصلخیزی زمین های قابل کشت که در نتیجه فرسایش خاک، خشکسالی و نظام مالکیتی حادث می شود، ممکن است باعث افزایش فقر در نواحی روستایی گردیده و مهاجرت از نواحی روستایی را باعث شود.

۱- فرسایش خاک

۲- خشکسالی

۳- نظام مالکیتی



- ۴- توسعه تسهیلات حمل و نقل و گسترش رسانه های گروهی و هر گونه افزایش در سطح آگاهی و سواد روستاییان، به طوری که بتواند آگاهی آنها را درباره نحوه های گوناگون معیشت هایی که در مقایسه با زندگی روستایی وجود دارد، بالا ببرد، ممکن است نارضایتی آنان را نسبت به زندگی روستایی افزایش دهد و باعث مهاجرت از روستا گردد.

- ۵- درک موقعیت ها و تسهیلات در شهرها می تواند، جاذبه ای برای جمعیت روستایی باشد.

- ۶- تمرکز فرصت های اشتغال در صنایع، خدمات و موسسات شهیر، فاصله اقتصادی بین شهر و روستا را وسیع تر می سازد. بنابراین می توان مهاجرت روستابه شهرها را به عنوان تحرکی **دو بعدی** با حرکات فضایی (افقی) و حرکات اجتماعی- اقتصادی (عمودی) که متضمن دگرگونی همیشگی مهاجرت ها، گرایش ها، انگیزش ها و الگوهای رفتاری است، در نظر گرفت.

**حرکات فضایی (افقی) و حرکات
اجتماعی- اقتصادی (عمودی)**

• رانی و مورتی، در سال ۱۹۷۳ تحقیقاتی در ۸۰ روستای مهاجر فرصت کشور هند نموده اند، تا فرایند مهاجرت از روستا به شهر را بررسی نمایند. پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل لازم، به این نتیجه رسیده اند که: اکثر مهاجرین برای بهبود وضع زندگی خود، اقدام مهاجرت نموده اند.

• استوکل با انتخاب ۱۱۱ روستا در بنگلادش به مطالعه و تحقیق پیرامن مشخصات مهاجرین و علل مهاجرت آنها پرداخته اند و یافته های تحقیق نمایشگر این است که: مهاجرین عمدتاً به علت کمبود شغل و کار در مبدا اقدام به مهاجرت نموده اند

- رابینسون در بین سال های ۱۹۴۸-۱۹۵۷ تحقیقاتی در مورد عملکرد مکانیزاسیون کشاورزی را در ترکیه دنبال نمود. پس از بررسی های لازم در مورد تکنولوژی های وارده به روستا ها و شاغلین به امر کشاورزی در قبل و بعد از ورود تکنولوژی به این نتیجه رسید که اجرای مکانیزاسیون در مزارع باعث گردید که، از حدود ۲۰۰۰۰۰ خانوار کشاورز حدود ۱۶۰۰۰۰ خانوار به شهرها مهاجرت نمایند.

- ادیبی پس از بررسی و تحقیقات لازم در مورد مهاجرت در ایران بیان می دارد که: تاثیر مستقیم غرب در ایران، اجرای اصلاحات ارضی، مکانیزاسیون کشاورزی و بالا رفتن درآمدها در ایران باعث گسترش شهرها و شهرنشینی شد و نهایتاً امکانات و خدمات در شهرها مستقر گردید و این علتی شد تا روستاییان تحت عوامل کشش شهرها و رانش روستاها به شهرها مهاجرت نمایند.

- وست با یک نمونه گیری ۷۰ خانواری از مهاجرینی مکزیکی تحقیقی پریامون علل مهاجرت آنها انجام داد. پس از جمع آوری اطلاعات و استفاده از تکنیک آماری، یافته های تحقیق بیان داشته اند که، خانوارهای مهاجر عملا به سوی مکان های حرکت نموده اند که در آنها شغل مناسب تری یافت می شود. به عبارت دیگر جمعیت مهاجر از مکان هایی که دارای موقعیت شغلی کمتری برخوردار بوده اند به مکان هایی که موقعیت شغلی زیادتری داشته اند مهاجرت نموده اند.

- سیمو تحقیقی در رابطه با علل مهاجرت روستا به شهر در بلغارستان انجام داده است. مطالعه او بر روی مهاجرین جوان روستایی متمرکز گردیده است. در این تحقیق ۱۰۰۰ مرد جوان مهاجر از ۲۱۵ روستایی بلغارستان انتخاب گردیده است. پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، یافته ها نمایشگر این امر می باشد که، اکثر مهاجرین بعلل: کسب موقعیت شغلی بهتر، به دست آوردن در آمد کافی و اتسفاده از تسهیلات فرهنگی در شهرها اقدام به مهاجرت نموده اند.

- آقاجانیان و پایدار بر اساس تحقیقی پیرامون حاشیه نشینی فریات ذیل در رابطه با علل مهاجرت روستاییان به شهرها ارائه نموده اند.
- ۱- مهاجرت به علت محدودیت منابع و رشد سریع جمعیت در روستا انجام می گیرد.
- ۲- فقر در جوامع روستایی که نهایتاً باعث مهاجرت روستا به شهر می گردد به علل: عدم توزیع عادلانه منابع (زمین) در روستا از یک طرف و نابرابری شهر و روستا از طرف دیگر می باشد.

۱- عدم توزیع عادلانه منابع

۲- نابرابری شهر و روستا

- زاهد با استفاده از آمار موجود در ایران سعی در تست این فرضیه دارد که **کمیت و کیفیت مهاجرت تابعی است از سیستم توزیع امکانات**. این تحقیق به این نتیجه می رسد که چون توزیع امکانات به صورت قطبی در جهت رشد شهرها صورت گرفته است، افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت از روستا به شهر امری عادی و مسلم به نظر می رسد.



- سازمان برنامه و بودجه طی بررسی و مطالعه پیرامون مهاجرت و شهرنشینی در ایران به این نتیجه رسیده است که، هر گاه میان بازده نهایی کار در دو نقطه جغرافیایی یا در دو بخش اقتصادی تفاوت زیادی وجود داشته باشد، انگیزه ای می شود که افراد از منطقه یا بخشی که در آن ارزش کار پایین تر است به منطقه یا بخش دیگری که ارزش کار بالاتر است مهاجرت نمایند. این تفاوت هر چه بیشتر باشد، مهاجرت ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. این امر ممکن است تا آن حد پیش رود که از حد و مرز تعادل گذشته و شیرازه دو منطقه مهاجرت فرست و مهاجرپذیر را از هم بگسلد.

- بهشتی در تحقیقی که پیرامون حاشیه نشینان شیراز انجام داده است، نیجه گیری می نماید که ۸۰ درصد مهاجرین به خاطر خشکسالی ویافتن کار به شیراز آمده اند.

چارچوب نظری

- در نظریات و اکثر مطالعات که بیان گردید، آنچه مشهود است روح جزئی نگری یا بسیار کلی نگری می باشد. این محدودیت ها باعث گردیده اند که، از یک طرف نتوانیم شناخت کاملی از پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر به دست آوریم، و از طرف دیگر به این نتیجه برسیم که، کلی نگری جز ایجاد ابهام و عدم ارائه راه حل عملی جهت برخورد با این پدیده مشکلی را حل نخواهد کرد.

- جهت روشن نمودن محدودیت های فوق قابل ذکر است که: دیدگاه کارکردگرایی در تبیین مهاجرت به علت یا علل امر نپرداخته و فقط به بیان بروز عدم تعادل و دستیابی به تعادل در سیستم اجتماعی که **معلول علت یا علل خاصی** می باشد، اکتفا می نماید. وجود این محدودیت باعث گردیده، تا جواب به این سوال که چرا در حالت عدم تعادل و رسیدن به تعادل فقط عده ای و آن هم افرادی خاص در یک نظام اجتماع و یا در بین نظام های اجتماعی اقدام به مهاجرت می نمایند و بقیه در مبدا می مانند؟

- بدون جواب بماند. به طور کلی می توان ادعا نمود که ما در بحث نظری ان دیدگاه به علت یا علل تغییرات برخورد نمی کنیم. چون بیشتر به تاثیرات تغییرات پرداخته می شود تا علت تغییرات.

- دیدگاه اقتصاد سیاسی نیز به تبیین پدیده ها در سطح کلان می پردازد. لذا نظریات ارائه شده از حد کلی تجاوز نمی نماید. این نوع نگرش در مسائل اجتماعی علاوه بر اینکه اشکالاتی از قبیل: عدم امکان برنامه ریزی های حلی و منطقه ای جهت ملحوظ نمودن شرایطی خاص در برنامه ریزی ها دارد،



- عدم شناخت دقیق از مسائل مختلفی که در شرایط متفاوت تاریخی، اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف نیز روی می دهند، در بردارد، و سوالات زیادی را بدون جواب خواهد گذاشت. مثلاً، سوالاتی از این قبیل که، چرا نظام تحت سلطه پس از مدتی، کاملاً خالی از نیروی انسانی نمی شود؟ و یا چرا واقعیات و تحقیقات گویای این موضوع می باشند که مهاجرت همیشه گریبانگیر بخشی از نیروی انسانی و آن هم با داشتن ویژگی های خاص می شود، بدون جواب می مانند.

- در دیدگاه اقتصاد سیاسی چون توجه بیشتر به مقصد مهاجرت وجود دارد، لذا در تبیین مهاجرت و پیامدهای آن ساخت مبداء و تحولات درونی آن به فراموشی سپرده می شود. این امر باعث گردیده که، مهاجرت در یک فرایند پویا بین مبداء و مقصد به خوبی تحلیل نگردد.

یک فرایند پویا بین مبداء و مقصد

• آنچه که در اصلاح این دیدگاه ها در سطح کلی باید مد نظر قرار گیرد، بازسازی نگرش تئوری ه به طبیعت انسان و چگونگی رابطه بین فرد یا جامعه می باشد- چون تصویر این موضوع که، انسان کاملا به مثابه کاغذ سفید می ماند ، هر چه به او داده شود دقیقا کپی می نماید، و این که انسان به اضطرار در جامعه مستحیل می شود و نمی تواند و یا نباید در حاشیه یا مقابل جامعه قرار گیرد، قابل تردید بوده و نمی تواند مبنای مناسبی برای شکل گیری تئوری ها باشد.

مبنای مناسبی برای شکل گیری تئوری ها



امکانات محیط و شناخت یا آگاهی انسان

- انسان در فرایند شدن خود سعی دارد در کنش متقابل با محیط موارد مختلف را به لحاظ کمی و کیفی سود و زیان نموده و سپس تصمیم گیری نماید. چون انسان سعی دارد برای استمرار حیات و رشد خویش از امکانات محیط اتساده کند در فرایند شدن انسان دو عامل اساسی که همانا امکانات محیط و شناخت یا آگاهی انسان می باشند نقش دارند. پدیده مهاجرت که در قالب همین فرایند تحلیل می گردد، به چگونگی توزیع امکانات و شناخت انسان از آن بر می گردد. بنابراین در حرکات مکانی جمعیت توزیع امکانات به عنوان عامل محیطی که فرد با آنها در رابطه است و آگاهی انسان ها پیرامون چگونگی توزیع امکانات محوریت دارند.

- از طرفی آنچه در مهاجرت های نیروی انسانی در یک نظام اجتماعی باید مد نظر قرار گیرد، کنترل آن است، کاهش با افزایش آن، چون هر گونه تغییری در مهاجرت نیروی انسانی بستگی به مقتضیات نظام اجتماعی دارد. مهاجرت زمانی که در جهت

مقتضیات نظام اجتماعی

• بر اساس مباحث فوق می توان بیان نمود که حرکات جمعیتی که در کنشی متقابل بین انسان و محیط صورت می گیرد تابعی است از توزیع امکانات و شناخت با آگاهی انسان از آن در رابطه با توزیع امکانات منظور این است که، باید در نظام اجتماعی طوری برنامه ریزی شود تا امکان اختیار از انسان سلب نگردد، یا به عبارتی امکان استفاده انسان ها از امکانات در جهت رشد (شدن) آنها که در حقیقت رفع نیازمندی های آنان را تداعی می نماید، مقدور باشد. اگر الگوی حکمتی انسان ها برابر اساس تنظیم گردد مسلما کنترل حرکات جمعیتی در نظام اجتماعی امکان پذیر خواهد بود.

کنترل حرکات جمعیتی

- آنچه در شناخت و با آگاهی انسان ها به مهارت مشخص مد نظر می باشد، انتظارات اجتماعی آنها سلب انتظارات اجتماعی که در حقیقت همان چشم داشت های اجتماعی می باشد، در ایفای نقش و شکل گیری شخصیت افراد جایگاهی اساسی را به خود اختصاص می دهند،

- مبنای انتظارات اجتماعی را باید در هنارها و ارزش های اجتماعی جست و جو نمود که انسان ها در پرتوی آنها در قالب نهادهای اجتماعی فرایند جامعه پذیری خود طی می نمایند. در این فرایند است که انتظارات اجتماعی انسان ها نیز شکل می گیرد و افراد بر این اساس به ایفای نقش می پردازند. مهاجرین با انتقال مکانی در واقع به نوعی **ایفای نقش** پرداخته اند. به عبارت دیگر انتقال مکانی نوعی ایفای نقش به شمار می آید.

- بنابراین در نظام اجتماعی زمانی انسان ها اقدام به مهاجرت می نمایند که، انتظارات آنها از توزیع امکانات موجود مطلوب نبوده و توقع دارند، با مهاجرت به محیط یا منطقه دیگری انتظاراتشان مرتفع گردد. بر این اساس زمانی حرکات جمعیتی در نظام اجتماعی طبیعی خواهد بود که، آن نظام بتواند در یک فرایند زمانی تعادلی بین توزیع امکانات و انتظارات اجتماعی انسان ها ایجاد نماید.

توزیع امکانات و انتظارات اجتماعی

- بر اساس مباحث فوق اگر کشورهای جهان سوم در پی تغییر در جهت گیری های موجد انتقالات مکانی جمعیت می باشند، لازم است تغییراتی در قانون مندی های اجتماعی و بالطبع نهادهای اجتماعی که به صورت روشن تغییرات ساختاری می باشند، دنبال نمایند.

تغییرات ساختاری

خلاصه و نتیجه گیری

- این مقاله سعی در ابراز این مطلب داشته که به علت تفاوت های شمهود در نظام های اجتماعی امروز، به خصوص نظام های اجتماعی کشورهای جهان سوم و توسعه یافته و ضرورت به کار گیری مقتضایات هر نظام اجتماعی در برنامه ریزی های آن و اینکه **ارائه الگوی استاندارد شده بر اساس تئوری های موجود و خط مشی کشورهای توسعه یافته** جهت حل معضلات کشورهای جهان سوم، کارایی لازم نداشته اند، لازم است ضمن شناخت دقیق کشورهای جهان سوم و تئوری های کلان موجود، در جهت دستیابی به استراتژی مناسبی در این کشورها حرکت نمود.

- بر اساس مطالعات و تحقیقات انجام شده در کشورهای جهان سوم یکی از مشکلات اجتماعی که امروزه گریبانگیر این کشورها می باشد. پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر است. این پدیده که نظام های اجتماعی این کشورهای را در ابعاد متفاوتی تحت تاثیر قرار داده، باعث ایجاد معضلاتی در مسیر رشد و توسعه آنها گردیده است.

- در نظرگاه این مقاله آنچه که ضرورت دارد تدوین یک چارچوب نظری روشن مبتنی بر مقتضایات اجتماعی و اقتصادی این کشورها می باشد. این چارچوب نظری می تواند با اصلاحیه هایی بر دیدگاه های کلان موجود شروع گردد.

**اصلاحیه هایی بر دیدگاه های
کلان موجود**

- دیدگاه های کارکرد گرایی و اقتصاد سیاسی که به نوعی حرکات مهاجرتی را در نظام اجتماعی تحلیل می نمایند، چون به صورت روشن و مشخص به چگونگی تصمیم گیری انسان ها به حرکت و یا مهاجرت که در فرایند کنش متقابل انسان با محیط رخ می دهد نمی پردازند، لذا در تبیین کلیه حرکات جمعیتی موفق نمی باشند.

**کارکرد گرایی و اقتصاد
سیاسی**

- بنابراین در **اصلاحیه های پیشنهادی** باید به صورت مشخص کنش متقابل بین انسان و محیط مورد بررسی قرار گیرد. چون انسان ها بر اساس انتظارات اجتماعی جهت استفاده از امکانات بالفصل یا بالقوه محیط، با یکدیگر و با محیط وارد کنش متقابل می شوند. مهاجرت که نوعی ایفای نقش یا کنش انسانی می باشد، اگر حالتی طبیعی داشته باشد مسلماً در جهت رشد انسان و جامعه قرار می گیرد.

-



- زمانی مهاجرت به عنوان حرکت مکانی جمعیت طبیعی خواهد بود که نظام اجتماعی بتواند در یک فرایند زمانی بین انتظارات اجتماعی و توزیع امکانات تعادلی پویا ایجاد نماید. لذا کشورهای جهان سوم نیز برای حل این معضل اجتماعی باید در جهت ایجاد این تعادل کوشش نمایند